

«در حیطه زندگی ما ترور به دو گونه سلطه داشته است، البته اگر آنها را به خاطر آوریم و بتوانیم آنها را مدنظر قرار دهیم. یکی قتل را با تمصّبی تند و شدید شکل می دهد، دیگری بی هیجان و خونسر دانه آن را به انجام می رساند. لوکی تنها چند ماهی به طول انجامیده، دیگری هزاران سال به درازا کشیده است. لوکی مرگ را بر هزاران نفر تحمیل کرده، دیگری بر صدها میلیون نفر. اما همه لرز و ترس ما معلول آن ترور آنی و زودگذر است. پس بگذار بگویم که چگونه وحشت مرگ آنی بوسیله تبر قابل مقایسه با مرگ جانکاه و مادام العمری است که در نتیجه گرسنگی، سرما، تجاوز، قساوت و غم و اندوه شکل می گیرد. شاید گورستان شهر ما پر شده از تابوتهایی باشد که در نتیجه آن ترور مختصر ساخته شده است؛ تابوتهایی که به خوبی به ما آموخته اند به سختی بر آنها بگیریم و در سوگشان بنشینیم، اما سراسر فرانسه آکنده از تابوتهایی است که با ترور کهنه تر اما واقعی پر شده اند؛ آن ترور تلخ و زشتی که به هیچ یک از ما نیاموخته اند گستره آن را به نظاره بنشینیم و چنان که شایسته است در افسوس آن باشیم.»

مارك تواین : نوشتار درباره انقلاب فرانسه

* تلفات فاشی از ترورسیم

آمریکا به عنوان هدف:

آوریل ۱۹۸۳ سفارت آمریکا، بیروت، بمب گذاری انتحاری (۶۳ کشته)
اکتبر ۱۹۸۳ مقر تفنگداران آمریکایی، بیروت (۲۹۹)

دسامبر ۱۹۸۸ پرواز بان آمریکن برفراز لاکربی (۲۷۰)

فوریه ۱۹۹۳ مرکز تجارت جهانی، نیویورک (۶)

آوریل ۱۹۹۵ ساختمان فدرال، اکلاهاسیتی (۱۶۸)

ژوئن ۱۹۹۶ مجتمع نظامی آمریکا، عربستان (۱۹)

اوت ۱۹۹۸ سفارتهای آمریکا، کنیا و تانزانیا (۲۲۴)

اکتبر ۲۰۰۰ مقر نیروهای آمریکا، عدن، یمن (۱۷)

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ حمله تروریستی به آمریکا (۷۰۰۰) (رقم تخمینی)

دیگر اهداف سیاسی:

ژوئن ۱۹۸۵: خطوط هواییمایی هند برفراز دریای ایرلند (۳۲۹)

آوریل ۱۹۸۷: اتوبوس در کلومبو، سریلانکا (۱۵۰)

سپتامبر ۱۹۸۹: پرواز یوتی. آی برفراز چاد (۱۷۰)

ژوئیه ۱۹۹۴: مرکز یهودیان در بوئنوس آیرس، آرژانتین (۹۶)

نوامبر ۱۹۹۷: حمله تروریستی به جهانگردان در مصر (۶۲)

اوت ۱۹۹۸: بمب گذاری در مرکز شهر اوما در ایرلند شمالی (۲۹)

سپتامبر ۱۹۹۹: بمب گذاری در ساختمان مسکونی، مسکو، روسیه (۱۱۸)

ترورهای پایا

- شمار کسانی که به علت گرسنگی جان خود را در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از دست دادند (۲۴۰۰۰)

- شمار کودکانی که به علت اسهال در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ جان خود را از دست دادند (۶۰۲۰)

- شمار کودکانی که به علت سرخک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تلف شدند (۲۷۰۰)

- شمار کودکانی که در کشورهای در حال توسعه از سوء تغذیه رنج می برند (۱۴۶ میلیون نفر)

- شمار افرادی که به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند (یک میلیارد و صد میلیون نفر)

- شمار کسانی که فاقد دسترسی به بهداشت کافی هستند (۲۴۰۰ میلیون)

- شمار کسانی که با درآمد کمتر از یک دلار در روز زندگی می کنند (یک میلیارد و دویست میلیون نفر)

- شمار کودکان آفریقایی زیر ۱۵ سال که دارای ویروس ایدز هستند (یک میلیون و صد

رویکردهای مختلف نسبت به ترورسیم بین المللی

یک بام و دو هوا

دکتر رضا سیمینر
استادیار دانشگاه گیلان

هزار نفر)

- شمار کودکانی که دسترسی به آموزش لازم ندارند (صد میلیون نفر)
- شمار بی‌سوادان بالغ در دنیا (۸۷۵ میلیون نفر)

- شمار زنانی که به هنگام زایمان و حاملگی در هر سال می‌میرند (۵۱۵ هزار نفر)
- میانگین سالیانهٔ کسانی که بر اثر خشکسالی و قحطی تلف می‌شوند بین سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۷۲ (۷۳/۶۰۶)

- میانگین سالانهٔ کودکانی که بر اثر جنگ می‌میرند بین سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰ (دویست هزار نفر)
- میانگین سالانهٔ کودکانی که بر اثر جنگ بی‌خانمان شده‌اند بین سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰ (یک میلیون و دویست هزار نفر)^۱

امروزه فقر بزرگترین چالش اقتصادی فراروی دنیای ماست. پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بسیاری بر این اعتقاد بوده‌اند که «رکود» دیگری بر دنیا حاکم خواهد شد. با اطمینان باید خاطر نشان ساخت که بار هر نوع رکود اقتصادی در دنیا، در درجهٔ اول بر دوش کسانی خواهد بود که کمتر طاقت و تحمل آن را دارند. در بحران رکود اقتصادی در دههٔ ۱۹۳۰ میلادی فقرا و بینوایان کشورهای جنوب به مراتب سختی‌های بیشتری دیدند تا آنان که در کشورهای شمال زندگی می‌کردند. در مورد نمونه‌های جدید می‌توان گفت که در بحران پولی ۱۹۸۹ در آرژانتین وضع به‌صورتی درآمد که تعداد فقیران با رشدی حدود دو برابر به ۴۷ درصد جمعیت کشور رسید و در بحران ۱۹۹۸ روسیه شمار فقرا از ۲۲ درصد به ۳۳ درصد افزایش یافت.^۲

شاید فراموش کرده باشیم که نیمی از جمعیت جهان با درآمدی تقریباً کمتر از دو دلار در روز زندگی می‌کنند؛ بیش از یک میلیارد نفر در جهان با چیزی کمتر از یک دلار حیات خود را می‌گذرانند؛ و در این گردونهٔ دهشتناک نزدیک به یک میلیون نفر شامل کودکان هر روز به گونهٔ سیستماتیک جان خود را از دست می‌دهند. برپایهٔ گزارش برنامه توسعهٔ سازمان ملل متحد، نابرابری‌ها در جهان به‌شکل فزاینده و بی‌سابقه‌ای گسترش می‌یابد. همهٔ اینها نشان‌دهنده تراژدی

تحقیرها و محنت‌هایی است که میلیارد‌ها انسان در جهان از آن رنج می‌برند و منعکس‌کنندهٔ خشونت و تروری است که نسبت به شرافت و کرامت نوع بشر در جهان وجود دارد و می‌توان به راحتی آن را با ترور فیزیکی و قتل برابر دانست.

در چنین شرایطی و پس از رویدادهای یازدهم سپتامبر، دولت آمریکا به فکر تقویت هرچه بیشتر قدرت نظامی خود افتاد. در این راستا به بهانهٔ «جنگ با تروریسم» برنامه‌های اقتصادی خاصی تنظیم و اعتبارات هنگفتی اعلام شد: چهار میلیارد دلار برای «بازسازی»، ۱۵ میلیارد دلار برای خطوط هوایی، ۱۸ میلیارد دلار برای «مجموعه‌های صنعتی - نظامی»، ۹ میلیارد دلار برای بیمه، ۵۰۰ میلیون دلار به عنوان رشوه به دولت پاکستان. حدود ۱۷۳ میلیارد دلار بودجهٔ اضافی صرفاً در «خلال چند روز» توسط واشنگتن اعلام گردید.^۳

در عمل چنین پولی به جیب کسانی می‌رود که از قبل ثروتمند و قدرتمند بوده‌اند. در عین حال باید خاطر نشان ساخت که چنین رقمی سه برابر مقداری است که به نظر سازمان ملل متحد برای ریشه‌کن کردن بدترین انواع فقر در دنیا لازم است. از این موضوع به خوبی می‌توان دریافت که مانع ریشه‌کنی فقر در جهان، کمبود ثروت یا منابع نیست، بلکه نبود ارادهٔ سیاسی لازم برای برانداختن فقر است. اما ظاهراً زمانی قدرتمندان جهان به این نتیجه خواهند رسید که بفهمند با پا برجا ماندن و گسترش فقر و بی‌عدالتی نمی‌توان به تروریسم پایان داد. به هر حال مبارزه با فقر بسیار مؤثرتر از محدود نمودن تروریسم است و احتمال بیشتری برای پیروزی و پایان بخشیدن به آن وجود دارد. جنگ اعلام شدهٔ آمریکا با تروریسم بسیار مبهم و تردیدآمیز است در حالی که در جنگ با فقر، دشمن، تعریف شده و مشخص است و نخستین گام باید این باشد که فقیرترین مردم جهان از پرداخت روزانه ۵۹ میلیون دلار به اعتبار دهندگان بخشوده شوند.

- چندجانبه‌گرایی در رویارویی با تروریسم

همان‌گونه که برخی جنگ با تروریسم در سطح بین‌المللی را تبلیغ می‌کنند، لازم است

○ امروزه گسترش فقر و افزایش شکاف میان‌دراوا ندار، یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی است که گریبان جهان را گرفته است: نیمی از جمعیت جهان با درآمدی کمتر از دو دلار در روز و بیش از یک میلیارد نفر با چیزی کمتر از یک دلار زندگی می‌کنند.

می‌تواند از کارآیی بیشتری برخوردار شود که آنها نقش به مراتب مهم‌تری برای سازمان ملل متحد قائل شوند. بسیاری از کشورها این خواسته را به آمریکا منتقل کرده‌اند که برای عملیات نظامی حتماً از شورای امنیت سازمان ملل کسب مجوز کند و نقش بیشتری برای سازمان ملل متحد قائل شود. این درحالی است که همواره دبیران کل سازمان ملل متحد بویژه دبیرکل کنونی آن حمایت کامل خود را از مبارزه با تروریسم اعلام کرده‌اند.

گرچه شاید جنگ راهی برای شکل دادن به بسیج بین‌المللی باشد، اما خود دارای محدودیتها و نواقص گوناگونی است. بنابراین شایسته است که از دیگر ابزارها برای مقابله با تروریسم هم بهره گرفته شود. راهکارهای زیر به عنوان نمونه می‌تواند مطرح باشد:

۱. بسیج و ساماندهی بهینه پلیس بین‌المللی برای تعقیب و دستگیری همه کسانی که مسئولیت ارتکاب کارهای تروریستی را به عهده دارند.
 ۲. کسب حمایت شورای امنیت سازمان ملل در مورد تشکیل دادگاه جهانی برای محاکمه قانونی کسانی که تروریسم بین‌المللی را تشویق و ساماندهی می‌کنند.
 ۳. گردآوری و ارائه شفاف مدارک و مستندات متقن و محکم‌پسندی که بتواند در دادگاههای بین‌المللی بر ضد تروریستها مورد استفاده قرار گیرد و افکار عمومی جهانی را قانع کند.
 ۴. مذاکره و گفتگو با کشورهای ذیربط و تلاش برای ایجاد وفای منطقه‌ای و جهانی تا براساس موازین و قواعد بین‌المللی همکاری‌های مشترک در برابر تروریسم بین‌المللی شکل گیرد.
 ۵. پشتیبانی از تلاشهای شورای امنیت سازمان ملل متحد در جهت اتخاذ تدابیر مقتضی بر ضد تروریسم بین‌المللی مانند تحمیل محاصره، تحریم و دیگر مجازاتها.
 ۶. همکاری با شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای بین‌المللی در راستای تشویق و ایجاد انگیزه برای کشورهایی که بر ضد تروریسم بین‌المللی اقدام می‌کنند.
- برخی از اقدامات در حال شکل گرفتن است

اقدامات شایسته و همه‌جانبه‌ای برای شناسایی دقیق ریشه‌های تروریسم انجام پذیرد و استراتژی‌های مدبرانه‌ای برای مقابله با آن تنظیم شود. باید از آموزه‌های رخداد ۱۱ سپتامبر درس عبرت آموخت و اتحادی مستحکم و منطقی در نظام بین‌الملل برای حل مسئله تروریسم بین‌الملل شکل داد. نکته حائز اهمیت این است که هیچ کشوری نمی‌تواند با اقدامات یکجانبه این مشکل را حل کند و همه اقدامات باید با همکاری همه‌جانبه کشورها و بازیگران بین‌المللی صورت پذیرد. دلیل اصلی این است که تروریسم پدیده‌ای جهانی است و رویارویی با آن نیز مستلزم تصمیم‌گیری و عمل مشترک بازیگران بین‌المللی خواهد بود.

شاید به نظر رسد که عملیات نظامی در کوتاه‌مدت می‌تواند در مواجهه با تروریسم کارساز باشد، اما نکته حائز اهمیت این است که این گونه عملیات مخاطرات زیادی دارد. عملیات نظامی طولانی و گسترده می‌تواند برای خود ایالات متحده آمریکا مضرات و آسیبهای بیشتری در مقایسه با منافع و امتیازات احتمالی به بار آورد. اینکه آمریکا با آن قدرت و هیبت نظامی به جان کشوری مثل افغانستان افتاد باز تاب خوبی در افکار عمومی جهان بویژه در کشورهای مسلمان نداشته است و این عملیات به نوبه خود می‌تواند متقابلاً تشویق‌کننده سیاستهای افراطی باشد.^۴ نکته ظریفی که باید به آن اشاره کرد این است که آمریکا و همپیمانان آن بهتر است برای حل مسئله نابرابری‌های اقتصادی در دنیا، در صدد چاره‌اندیشی باشند. یکی از نتایج سیاست کنونی آمریکا افزایش هر چه بیشتر هزینه‌های پنتاگون است. صرف هزینه بیشتر در زمینه تسلیحات و نیروهای نظامی نمی‌تواند ریشه‌های اصلی تروریسم بین‌المللی را بخشکاند. میلیاردها دلاری که آمریکا و متحدان آن مانند اعضای ناتو در راستای تعادل نظامی هزینه می‌کنند، غیر ضروری و مسرفانه است و می‌تواند به گونه مؤثر برای اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی در سطح جهان هزینه شود و کشورهای زیادی را از گردونه فقر و توسعه‌نیافتگی برهاند.^۵ واکنش آمریکا و متحدان نظامی آن زمانی

○ دولت آمریکا پس از رویدادهای یازده سپتامبر به بهانه جنگ با تروریسم، برنامه‌های اقتصادی خاصی تنظیم کرده و اعتبارات هنگفتی در نظر گرفته است. به گزارش سازمان ملل متحد، حجم این اعتبارات سه برابر مقداری است که برای ریشه کن کردن بدترین انواع فقر در جهان لازم است.

مانند صدور قطعنامه شماره ۱۳۷۳ سازمان ملل متحد که اقدامات ضد تروریستی را در قبال بانیان و طراحان آن برنامه‌ریزی می‌کند. اگر این قطعنامه به گونه‌ی شایسته به مورد اجرا گذاشته شود می‌تواند راهکاری مناسب در رویارویی با تروریسم بین‌الملل باشد. در این خصوص، همکاری مشترک و متعهدانه کشورهای رمز موقیبت خواهد بود. بازداشت رهبر جنایتکار صربها نشان داد که تشکیل دادگاه ویژه سازمان ملل متحد می‌تواند ابزار بسیار مؤثری در بسیج افکار عمومی بین‌المللی در راستای تنبیه جنایتکاران و بازدارندگی جنایات نسبت به بشریت باشد. دولت آمریکا بارها خواستار آن شده است که دادگاه تروریستها در خاک آمریکا تشکیل شود. گرچه این خواسته نیز می‌تواند به نوعی در سطح جهانی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد اما با توجه به ماهیت بین‌المللی عملیات تروریستی، به نظر می‌رسد افکار عمومی جهان بیشتر پذیرای دادگاهی باشد که جنبه صرفاً بین‌المللی داشته باشد و حتی الامکان در خاک یک کشور بی طرف تشکیل شود و زیر نظر سازمان ملل متحد عمل کند. اگر چنین شود کشورها با رغبت بیشتری تروریستها را به دادگاههای بین‌المللی خواهند فرستاد ولی اگر دادگاه در خاک آمریکا تشکیل شود احتمال همکاری کشورها بویژه کشورهای عربی و اسلامی کمتر خواهد شد.^۶

نکته بسیار حائز اهمیت این است که هرگونه مبارزه با تروریسم باید همراه با دادن کمک‌های اقتصادی و مالی به کشورهایی باشد که از فقر اقتصادی رنج می‌برند و در مراحل زیر توسعه قرار دارند. به عنوان نمونه می‌توان گفت مبارزه با تروریسم در افغانستان باید در کنار برنامه‌های کمک اقتصادی صورت پذیرد و به اوضاع آشفته و نابسامان آن کشور سر و سامانی داده شود. در غیر این صورت تروریسم در آنجا همواره ریشه‌های خود را حفظ خواهد کرد. بی‌گمان این مسئله صرفاً منحصر به افغانستان یا منطقه خاورمیانه نیست، بلکه سراسر دنیای اسلام و همه کشورهای فقیر و در حال توسعه را در برمی‌گیرد. اگر ایالات متحده آمریکا قصد مبارزه جدی با تروریسم را دارد، این امر باید همراه با

رویکردهای عادلانه‌تری در سیاست خارجی آن کشور باشد و دولت آمریکا باید در صدد برقراری روابط مستحکم‌تر و بهتری با کشورهای عربی و اسلامی برآید. دولت آمریکا باید از خود بپرسد که چرا حملاتی مانند حملات ۱۱ سپتامبر صورت گرفته است. آیا حمایت از اسرائیل به قیمت فدا شدن فلسطینیان تمام نشده است؟ حضور مستمر آمریکا در شبه جزیره عربستان چه پیامدهایی داشته است؟ بمبارانهای بی هدف خاک عراق که تنها به محرومیت هر چه بیشتر مردمان عادی عراق منجر شده است دارای چه تبعاتی است؟ به نظر می‌رسد اتخاذ سیاستهایی که انعطاف بیشتری داشته باشد می‌تواند چهره کنونی آمریکا را در سطح جهانی بهبود بخشد.^۷

گرچه برخی سیاستها ممکن است در درازمدت به نتیجه برسد اما نتایج مثبت آن به مراتب بیشتر خواهد بود و نکته مهم این است که باید بعنوان يك گام اساسی و بنیادین، به همکاری‌های بین‌المللی شکل داد. به راه افتادن موج خشونت نه به سود آمریکاست و نه به سود هیچ کشور دیگری در جهان. باید با همکاری، گفت‌وگو و اجرای استراتژیهای خلع سلاح به تأمین امنیت در سطح جهانی پرداخت. دست زدن به عملیات نظامی بعنوان مبارزه با تروریسم ممکن است موج تازه‌ای از تروریسم بوجود آورد و در این میان افراد بیگناه دیگری جان خود را از دست بدهند. برای نمونه، حمله آمریکا به يك کارخانه داروسازی در سودان در سال ۱۹۹۸ به همین بهانه باعث شد که هزاران نفر در سطح جهان به آمریکا بدبین تر شوند.^۸

این درحالی است که در داخل آمریکا نیز عده زیادی معتقدند سیاستهای نظامی بوش غیر قانونی بوده و نمی‌تواند مقبول باشد. در دسامبر ۱۹۴۱ در قضیه پرل هاربر، روزولت رئیس جمهور آمریکا اجازه جنگ را از کنگره آمریکا گرفت و امروزه نیز اگر بوش جنگی را آغاز کند باید براساس بند هشت ماده ۱ قانون اساسی آمریکا عمل کند. متأسفانه دولتمردان آمریکا از زاویه واحدی به دنیای اسلام می‌نگرند و این نگرش متعصبانه باعث می‌شود که همه دنیای اسلام تهدید شود و حتی در داخل آمریکا، مسلمانان

○ مانع ریشه کنی فقر در جهان، کمبود ثروت و منابع نیست، بلکه نبود اراده سیاسی لازم برای برانداختن فقر است و تازمانی که فقر و بی‌عدالتی رو به گسترش است نمی‌توان به تروریسم پایان داد.

بی دلیل در معرض حملات کور و غیر انسانی قرار گیرند.

ادعاهای آمریکا در مورد علت حملات تروریستی به منافع و اتباع آن کشور نیز بحث انگیز است. برای نمونه، رئیس جمهور آمریکا، بوش، مدعی است چون آن کشور در آزادی خواهی پیشقراول است مورد حمله و تهاجم تروریستی قرار می گیرد. اما تا زمانی که حمله کنندگان و انگیزه های آنان به درستی شناخته نشوند پذیرش چنین ادعاهایی بسیار دشوار خواهد بود. باید تلاش کرد تا گروه های تروریستی و انگیزه های آنان تعریف شوند.

عملیات نظامی آمریکا باعث خواهد شد تا شمار زیادی انسانهای بی گناه کشته شوند و این امر به نوبه خود انگیزه انتقام گیری بوجود می آورد. آیا حمله آمریکا به کشور لیبی را نمی توان از موجبات حادثه لاکربی دانست؟ باید کوشید تا زنجیره خشونت در سطح بین المللی گسسته شود. دولت آمریکا که خود را سرکرده «خیر» در مقابل «شر» وانمود می کند باید راه درستی برای اثبات این ادعا بیامد و از اعمالی که نهایتاً به قربانی شدن افراد عادی و بیگناه می انجامد اجتناب نماید؛ باید دست از حمایت متمصبانه از اسرائیل بکشد و سیاستهای میلیتاریستی خود را ترک گوید. باید به دنیایی اندیشید که در آن صلح و امنیت بین المللی از راه خلع سلاح، همکاری و گفتمان بین المللی و گسترش عدالت اجتماعی و نه از راه کاربرد زور تأمین می شود. راه حل نظامی آسان به نظر می رسد اما راه حل مناسبی نخواهد بود.^۱

مشخصاً هیچ نشانی از يك دستور العمل جامع و کارساز برای رویارویی با تروریسم بین المللی وجود ندارد. با وجود این، اقدامات مسلحانه تنبیهی و تلافی جویانه نیز به تنهایی راهگشای صلح و عدالت نیست. هر اقدامی باید بر اساس ضوابط حقوق بین الملل انجام گیرد. حقوق بین الملل می تواند و باید به عنوان مبنای استراتژی مبارزه با تروریسم در نظر گرفته شود و هم در مقام نظامی ارزشی و هم چارچوب منظم قواعد قابل اعمال نقشی مهم بازی کند. حمله های نظامی، چنان که شواهد قبلی نشان

داده است، نه تنها معضل تروریسم را حل نمی کند بلکه موجب تشدید آن در سطح بین المللی می گردد. گسترش دامنه عملیات نظامی به کشورهای دیگر موجب تضعیف ائتلاف بین المللی بر ضد تروریسم و موجب به خطر افتادن ثبات، صلح و امنیت در آسیا و خاورمیانه می گردد. اگر آمریکا می خواهد از حمایت دیگر کشورهای برخوردار شود باید به قوانین حاکم بر نظام بین الملل گردن نهد و به جای اینکه خود را تنها قطب در روابط بین الملل بیندازد، باید این واقعیت را بپذیرد که بی پشتیبانی دیگر قدرتهای منطقه ای، جهانی و سازمانهای بین المللی و همچنین بیرون از توافقیهای مؤثر بین المللی نخواهد توانست پاسخگوی چالشهای جهانی باشد.

دولت آمریکا نیازمند بازنگری در فرمولهای سیاست خارجی خود است و باید بپذیرد که بحران تروریسم ریشه در مسائلی سیاسی و اجتماعی دارد که نمی توان صرفاً از راه کاربرد زور و خشونت و مداخلات نظامی با آنها رویبرو شد. آمریکا بر پایه منافع ملی اش چهره دوگانه ای از خود نشان می دهد که نمی تواند مقبول افکار عمومی جهان باشد. سیاستهای میلیتاریستی دولت آمریکا که بر پایه فراهم آوردن سود بیشتر برای صاحبان کارخانه های تسلیحاتی می چرخد، موج تنشهای بین المللی را افزایش می دهد. حمایتهای گوناگون از رژیمهای اقتدارگرا در خاورمیانه عربی، پاکستان و شمال آفریقا و از همه مهم تر، پشتیبانی یکجانبه از اسرائیل در سرکوب مقاومت و خواسته های مشروع مردم فلسطین، باعث منفور شدن آمریکا در میان افکار عمومی جهان و بویژه ملت های خاورمیانه خواهد شد.^۲

سیاست های مداخله جویانه آمریکا شاید تا پیش از پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق به گونه ای قابل توجیه بود، اما امروزه نمی تواند مقبول و موجه باشد چرا که امروزه عمده کشمکشهای پس از جنگ سرد بر خاسته از تنشهای درون کشوری است که به علت ریشه داشتن در مسائل داخلی نمی تواند ارتباطی با منافع آمریکا داشته باشد. مداخله آمریکا در اینگونه کشمکش ها نه تنها تأمین کننده منافع این کشور

○ برپایی داد گساره ویژه سازمان ملل متحد می تواند ابزار بسیار کارساز برای بسیج کردن افکار عمومی در سطح جهان در زمینه تنبیه جنایتکاران و بازدارندگی جنایات نسبت به بشریت باشد.

○ هر چند در حال حاضر دستور کار جامعی برای رویارویی با تروریسم بین المللی وجود ندارد، اما بی گمان اقدامات نظامی تنبیهی و تلافی جویانه و کاربرد زور فارغ از اصول حقوق بین الملل و ضوابط پیش بینی شده در منشور ملل متحد نیز به تنهایی کار ساز نخواهد بود.

U.S. more secure", **Foreign Policy in Focus**, October 8, 2001, p.8.

5. Hartung, William D., "Military-Industrial Complex Revisited: How Weapon Makers are shaping U.S. Foreign and Military policies", **Foreign Policy in Focus**, special Report., November 1999, pp. 17-39.

۶. رضا سیمیر، تروریسم در روابط بین الملل، فصلنامه راهبرد، پاییز ۱۳۸۱، صص ۶۸-۸۳.

7. Eland, Ivan., "Does U.S. Intervention Overseas Breed Terrorism? The Historical Record", **Cato Foreign Policy Briefing**, 1998 No. 50.

8. Pillar, Paul R., **Terrorism and U.S. Foreign Policy**, Washington, D.C. The Brookings Institution, 2001, pp. 47-52.

9. Tucker, David., **Skirmishes at the Edge of Empire: The United States and International Terrorism**, Praeger 1997, pp. 14-31.

10. Lesser, Ian, **Countering the New Terrorism**, Rand Santos Monica, C.A., 1999, pp. 51-63.

نیست بلکه می تواند دارای تأثیرهای خطرناکی نیز باشد. سیاستهای یکجانبه گرایانه دولت آمریکا در حمایت از رژیم اشغالگر امکان ارائه راههای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی را سخت تضعیف می کند و استفاده از خشونت را برای گروه های رادیکال موجه می سازد. اگر آمریکا مدعی پیشقراولی و پرچمداری در راه دموکراسی و حقوق بشر است باید این امر را با اتخاذ سیاستهای بیطرفانه در سطح جهانی اثبات نماید.

منابع

1. New Internationalist, 340, November. 2001. WWW. Newint. org.
2. **World Development Report**, World Bank, 2001.
3. "Guardian Unlimited", WWW. Guardian. Co. Uk. 21 September 2001.
4. Zunes, Stephen, "Bombing will not make



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی